



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تأثیر مسائل جامعه‌شناختی بر پدیده خشونت مدرسه‌ای

ایرج امیری

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

amiriiraj86@gmail.com

چکیده

خشونت مدرسه‌ای یکی از مسائل حساس و مهم در عرصه آموزش و پرورش است که تأثیر عمیقی بر جوامع دارد. این پدیده به صورت گسترده‌ای در مدارس سراسر جهان، با تنوعی از ابعاد و شکل‌ها، نمود می‌گیرد و اثرات منفی آن بر دانش‌آموزان، معلمان، و جامعه به طور کلی بسیار جدی است. درک عمیق از ریشه‌ها و عوامل افزایش دهنده خشونت مدرسه‌ای و چگونگی تأثیر مسائل جامعه‌شناختی بر این پدیده ضروری است. مطالعات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که خشونت مدرسه‌ای نتیجه تعامل میان عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، و روانی است. در این مقاله، تلاش می‌کنیم تا به تحلیل تأثیر مسائل جامعه‌شناختی بر این پدیده پرداخته و رویکردهای جدیدی به مفهوم خشونت مدرسه‌ای ارائه دهیم. یکی از عوامل مهم در ایجاد و افزایش خشونت مدرسه‌ای، تعامل‌های اجتماعی میان دانش‌آموزان و همچنین نگرش‌ها و ارتقاء احترام متقابل در محیط مدرسه است. مسائلی مانند بلوغ جنسی، تبعیض نژادی، تعصبات مذهبی، و تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توانند به عنوان عوامل تشدیدکننده در ایجاد خشونت مدرسه‌ای عمل کنند. علاوه بر این، مسائل روانی و انفعالی نیز می‌توانند نقش مهمی در پدیده خشونت مدرسه‌ای ایفا کنند. دانش‌آموزانی که با مشکلات روانی مواجه هستند، ممکن است به عنوان فراریان از وضعیت‌های ناراضی کننده، به خشونت روی آورده و به دیگران آسیب برسانند. در نتیجه، تمرکز بر مسائل جامعه‌شناختی در مدارس و شناخت عمیق از نیازها و نگرش‌های دانش‌آموزان و اعضای هیئت مدرسه می‌تواند به ایجاد راهکارهای مؤثر در پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای کمک کند. این مقاله، به تحلیل اجزاء اساسی مسائل جامعه‌شناختی که به خشونت مدرسه‌ای مرتبط هستند می‌پردازد و به روش‌های ممکن برای پیشگیری از آن اشاره خواهد کرد.

کلمات کلیدی: خشونت، جامعه‌شناختی، مدرسه، دانش‌آموز، معلم، جامعه، آموزش و پرورش،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

خشونت مدرسه‌ای یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزش و پرورش در سراسر جهان است. این پدیده می‌تواند منجر به آسیب‌های جسمی، روانی، و اجتماعی برای دانش‌آموزان، معلمان، و سایر افراد جامعه شود. عوامل مختلفی در بروز خشونت مدرسه‌ای نقش دارند که از جمله آنها می‌توان به عوامل فردی، خانوادگی، و اجتماعی اشاره کرد. عوامل جامعه‌شناختی به عواملی گفته می‌شود که در سطح جامعه وجود دارند و می‌توانند بر رفتار افراد تأثیر بگذارند. این عوامل می‌توانند شامل الگوهای رفتاری خشونت‌آمیز در جامعه، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، و شرایط اجتماعی و اقتصادی باشند. آموزش و پرورش که هر کودک حق بهره‌مندی از آن را دارد، آموزشی است که برای ارائه مهارت‌های زندگی به کودک، تقویت ظرفیت کودک برای برخورداری از طیف کامل حقوق بشر و ترویج فرهنگی طراحی شده است که با ارزش‌های حقوق بشری مناسب القا شده است. هدف توانمندسازی کودک از طریق پرورش مهارت‌ها، یادگیری و سایر ظرفیت‌ها، کرامت انسانی، عزت نفس و اعتماد به نفس اوست (یونیسف، ۲۰۰۷). این بخشی از حقوق دانش‌آموزان است که توسط سازمان ملل در راستای اهداف آموزش تنظیم شده.

مدارس به طور منحصر به فردی برای ارائه آموزش با کیفیت که حق هر کودک است، حائز اهمیتند. آنها به دانش‌آموزان فرصت می‌دهند تا استعدادهای خلاق و تفکر انتقادی خود را پرورش دهند، مهارت‌های زندگی را به دست آورند، عزت نفس و روابط اجتماعی را توسعه دهند و به عنوان فردی با عزت رشد کنند. آنها همچنین به عنوان منابع مهمی برای توسعه و اشاعه ارزش‌های عدم خشونت، همکاری، مدارا و احترام، نه تنها در بین دانش‌آموزان و کارکنان، بلکه فراتر از آن، در جامعه گسترده‌تر عمل می‌کنند (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰).

در هر روز، بیش از یک میلیارد کودک در سراسر جهان به مدرسه می‌روند. بسیاری از این دانش‌آموزان از حق خود برای آموزش در محیطی امن و محرک برخوردارند. اما برای بسیاری دیگر، تحصیل چنین فرصتی را تضمین نمی‌کند. این دختران و پسران در معرض قلدری، تنبیه بدنی و سایر اشکال خشونت با یا بدون تأیید مقامات آموزشی قرار دارند. بسیاری نیز در معرض دعا در حیاط مدرسه، خشونت گروهی توسط همسالان خود قرار دارند. مظاهر جدید خشونت نیز بر زندگی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، به ویژه پدیده «قلدری مجازی» از طریق تلفن همراه، رایانه، وب سایت‌ها و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی. برای این دانش‌آموزان، پتانسیل و نوید مدرسه با درد، رنج و ترس تضعیف شده است. در برخی موارد، میزان خشونت یا تهدید به خشونت می‌تواند به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را از تحصیل باز دارد و در نتیجه فرصت آموزشی با همه فوایدی که برای فرد و جامعه دارد، به طور جدی با مشکل مواجه می‌شود یا از دست می‌رود.

این مقاله به طور خاص، با اقتباس از درس‌های سراسر جهان، چند حوزه کلیدی را بررسی می‌کند که در آنها می‌توان و باید تغییر ایجاد کرد تا اطمینان حاصل شود که هر کودکی از حق خود برای تحصیل با هدف رشد شخصیت کودک، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی در نهایت پتانسیل خود، همانطور که طبق ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک مورد نیاز است. حوزه‌های کلیدی که در این مقاله به آنها پرداخته شده عبارتند از: توسعه راهبردهای کلی که شامل تمام مدرسه میشود. ایجاد مشارکت با دانش‌آموزان؛ حمایت از معلمان و سایر کارکنان؛ تغییر نگرش و پرداختن به هنجارهای اجتماعی؛ تامین حمایت قانونی از دانش‌آموزان؛ و تلفیق داده‌ها و تحقیقات.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این مطلب هر یک از حوزه‌ها را با ابتکارات اخیر با هدف جلوگیری از خشونت علیه دانش‌آموزان نشان می‌دهد. همچنین توجه ویژه‌ای به موضوع خشونت در مدارس از دیدگاه دانش‌آموزان متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله دختران، دانش‌آموزان دارای معلولیت، متعلق به اقلیت‌های مختلف بومی، دانش‌آموزان پناهنده و دانش‌آموزان قربانی خشونت و تبعیض می‌کند.

ماهیت و میزان خشونت در مدارس

پدیده خشونت مدرسه‌ای به عنوان یک مسئله جامعه‌شناختی و آموزشی از اهمیت بسیاری برخوردار است و تأثیرات منفی آن بر جامعه و دانش‌آموزان باید با جدیت مورد بررسی قرار گیرد. این اهمیت و ضرورت به صورت زیر توضیح داده می‌شود:

۱. تأثیر بر دانش‌آموزان: خشونت مدرسه‌ای می‌تواند به شدت تأثیر منفی بر روحیه و روانی دانش‌آموزان داشته باشد. این پدیده می‌تواند منجر به کاهش عملکرد تحصیلی، افزایش اضطراب و افسردگی، و ایجاد احساس ناامنی در دانش‌آموزان شود.
۲. تأثیر بر جوامع: خشونت مدرسه‌ای می‌تواند تأثیرات عمیقی بر جوامع داشته باشد. این پدیده می‌تواند به ایجاد تفاوت‌ها و تنش‌ها در جوامع منجر شود و از ایجاد جوامع سالم و همدل جلوگیری کند.
۳. تأثیر بر محیط آموزشی: وقوع خشونت مدرسه‌ای می‌تواند به اختلال در محیط آموزشی منجر شود. این مسئله ممکن است باعث افزایش نارضایتی معلمان، کاهش عملکرد مدرسه، و افت شهرت مدرسه شود.
۴. اثرات بلندمدت: خشونت مدرسه‌ای می‌تواند اثرات بلندمدتی بر دانش‌آموزان داشته باشد. افرادی که در دوران تحصیلی با خشونت مدرسه‌ای مواجه می‌شوند، ممکن است الگوهای رفتاری ناپسندی را یاد بگیرند که در زندگی بزرگتر نیز باعث مشکلاتی شود.
۵. نیاز به پیشگیری: به عنوان جامعه‌ای پویا و پیشرفته، نیاز داریم تا بر روی پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای تمرکز داشته باشیم (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰). شناخت عوامل مساله و تأثیر مسائل جامعه‌شناختی در آن می‌تواند به ما کمک کند تا راهکارهای مؤثری را ارائه دهیم.

بنابراین، تأثیرات خشونت مدرسه‌ای بر دانش‌آموزان، محیط آموزشی، و جوامع را نمی‌توان نادیده گرفت و اهمیت مساله و ضرورت بررسی عمیق آن را افزایش می‌دهد. توجه به مسائل جامعه‌شناختی می‌تواند به ما کمک کند تا بهبودی در این زمینه دست یابیم و محیط آموزشی را به مکانی ایمن و سازنده تبدیل کنیم. مهم‌ترین بخش در حل کردن هر مشکلی شناخت عوامل ایجاد آن است. در ادامه می‌خواهیم به عواملی از خشونت بپردازیم که دانش‌آموزان را در داخل و خارج مدرسه مورد تهدید قرار می‌دهد:

قلدری

مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان، قلدری را یک الگوی رفتاری به جای یک رویداد مجزا می‌داند. رایج‌ترین شکل قلدری کلامی است که اگر کنترل نشود، می‌تواند منجر به خشونت فیزیکی نیز می‌شود. این مطالعه تأکید می‌کند که تقریباً تمام قلدری‌ها ماهیت قدرت طلبانه دارند و با هدف اعمال فشار بر دانش‌آموزان برای انطباق با ارزش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی آن‌ها به ویژه آن‌هایی که زیر بار حرف زور نمی‌روند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قلدری می‌تواند عواقب جدی برای قربانی و مجرم داشته باشد. به عنوان مثال هم برای فرد قلدر و هم برای دانش‌آموزی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، چرخه خشونت و ترس منجر به مشکلات بین فردی بیشتر و عملکرد ضعیف در مدرسه می‌شود. دانش‌آموزانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند بیشتر از همسالان خود افسرده، تنها یا مضطرب هستند و اعتماد به نفس پایینی دارند. قلدرها اغلب به دلیل ناامیدی، تحقیر، عصبانیت و در پاسخ به تمسخر اجتماعی به شدت خشن عمل می‌کنند (۱۴۰۰، محمدی چمناری، الهام؛ احمد عربی جونقانی).

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که حدود نیمی از دانش‌آموزانی که درگیر قلدری هستند، هم قربانی و هم مرتکب خشونت هستند و دانش‌آموزانی که در این ابراز خشونت دخالت دارند از بقیه گرفته‌تر و آزرده‌خاطرترند. در میان مرتکبین، پسران بیشتر درگیر قلدری فیزیکی می‌شوند، در حالی که دختران اغلب به شکل‌های کلامی آزار همسالان خود می‌پردازند (Pinheiro, ۲۰۰۶). در رابطه با بسیاری از اشکال خشونت علیه دانش‌آموزان، داده‌های مربوط به قلدری کمیاب است. تحقیقاتی که بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ در تعدادی از کشورهای در حال توسعه برای نظرسنجی جهانی بهداشت مبتنی بر مدرسه (GSHS) انجام شد، تنوع گسترده‌ای را در تجارب ملی نشان داد: در چین (پکن)، ۱۷ درصد از دختران و ۲۳ درصد از پسران (سن ۱۳ تا ۱۵) گزارش دادند که در ۳۰ روز گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و در زامبیا این ارقام به ۶۷ درصد برای دختران و ۶۳ درصد برای پسران افزایش یافت که آنها در ۳۰ روز گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. اطلاعات کشورهای اروپایی، اگرچه کاملاً قابل مقایسه نیستند، اما تنوع گسترده‌ای را از کشوری به کشور دیگر نشان می‌دهند؛ در پایین‌ترین سطح مقیاس، ۱۵ درصد از دختران و پسران در سوئد در سنین ۱۱، ۱۳ و ۱۵ سال گزارش کردند که در چند ماه گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. در حالی که این رقم تا ۴۴ درصد دختران و ۵۶ درصد پسران در پرتغال، و ۶۴ درصد از دختران و ۶۵ درصد از پسران در لیتوانی می‌رسد. در طول سال تحصیلی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ در ایالات متحده آمریکا، ۳۲ درصد از دانش‌آموزان بین ۱۲ تا ۱۸ سال گزارش کردند که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. از این دانش‌آموزان، ۲۱ درصد گفتند که یک یا دو بار در ماه مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. ۱۰ درصد گزارش کردند که یک یا دو بار در هفته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. و ۷ درصد نشان دادند که روزانه مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. نزدیک به ۹ درصد گزارش کرده‌اند که در نتیجه قلدری از نظر جسمی آسیب دیده‌اند.

مطالعه اخیری که در فرانسه توسط رصدخانه بین‌المللی خشونت در مدارس به نمایندگی از یونیسف فرانسه و بر اساس یک نظرسنجی ملی از ۱۲۳۲۶ کودک در دوره سوم دبستان (بین ۹ تا ۱۱ سال) انجام شد، نشان داد که ۹۰ درصد دانش‌آموزان نشان می‌دهند که در مدرسه احساس خوب یا خیلی خوبی دارند و همین نسبت نیز تأیید می‌کند که آنها روابط خوب یا بسیار خوبی با معلمان خود دارند. با این حال، اقلیت قابل توجهی از دانش‌آموزان وجود داشتند که مدرسه را محل خشونت می‌دانستند. اکثریت این دانش‌آموزان به جای کارکنان، از دست همسالان خود رنج می‌بردند. حدود ۳۲ درصد از دانش‌آموزان اظهار داشتند که گاهی قربانی آزار کلامی هستند و ۳۵٫۱ درصد اظهار داشتند که گاهی قربانی خشونت فیزیکی در مدرسه هستند، در حالی که ۶ درصد اظهار داشتند که اغلب به دست همسالان خود قربانی خشونت میشوند. علاوه بر این، این مطالعه نشان داد که کودکی که قربانی هر نوع قلدری می‌شود، اغلب قربانی خشونت مرتبط با دزدی یا خشونت جنسی است. این مطالعه همچنین توجه را به تمایل بیشتر به خطرپذیری در بین دانش‌آموزان قربانی قلدری شدید جلب می‌کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قلدری مجازی که به معنی قلدری از طریق ایمیل، خطوط چت آنلاین، صفحات وب شخصی، پیام های متنی و انتقال تصاویر است؛ به طور فزاینده ای به یک منبع نگرانی تبدیل می شود. برای دانش آموزان در سراسر جهان، فناوری های نوآورانه فرصت هایی را برای ایجاد فضاهای جدید تعامل و توسعه اشکال جدید اجتماعی شدن ارائه می دهند. در عین حال این فناوری ها دانش آموزان را به صورت بالقوه در برابر آزار و اذیت و قلدری در پوشش ها و روش هایی آسیب پذیر می کنند که تشخیص و پاسخگویی به آن برای والدین بزرگسال، مراقبین، معلمان و دیگران، اغلب دشوار است، به ویژه که این پدیده ای است که تمایل دارد فضاهایی که تحت نظارت بزرگسالان نیستند رخ دهد. قلدری مجازی ممکن است ریشه در تعامل اجتماعی چهره به چهره در محیط یادگیری داشته باشد. با این حال، دانش آموزان با پایان روز مدرسه از تأثیر آن در امان نیستند.

تحقیقات شروع به ارائه درک بیشتری از میزان و ماهیت قلدری سایبری می کند. مطالعه ای در ایالات متحده نشان می دهد که ۴ درصد از دانش آموزان بین ۱۲ تا ۱۸ سال گزارش داده اند که در طول سال تحصیلی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ قربانی آزار و اذیت مجازی شده اند. مطالعه دیگری نشان داد که تقریباً ۱۳ درصد از دانش آموزان بین پایه های ششم تا دهم (بین ۱۱ تا ۱۶ سال) مورد آزار و اذیت مجازی قرار گرفته اند. طرح اتحادیه دانش آموزان آنلاین اروپا، نظرسنجی را از ۲۰۰۰ کاربر اینترنت بین ۹ تا ۱۶ سال، به همراه یک والدین از هر مصاحبه شونده، در ۲۵ کشور اروپایی انجام داد. این نظرسنجی که در سال ۲۰۱۰ انجام شد، خطرات کلیدی آنلاین از جمله قلدری را بررسی کرد. از گروه نظرسنجی، مشخص شد که ۹۳ درصد حداقل به صورت هفتگی آنلاین می شوند (Livingstone et al., ۲۰۱۱). شش درصد از نمونه نشان دادند که برای آنها پیام های ناخوشایند یا آزاردهنده به صورت آنلاین ارسال شده است و سه درصد اعتراف کردند که چنین پیام هایی را برای دیگران ارسال کرده اند. اکثر دانش آموزانی که پیام های قلدری آنلاین دریافت کرده اند، با پشتیبانی اجتماعی تماس گرفتند. با این حال، یک چهارم نشان داد که آنها به کسی اطلاع نداده اند. از هر ده نفر، شش نفر از استراتژی های آنلاین مانند حذف پیام های آزاردهنده یا مسدود کردن فرد خاطی استفاده کرده اند.

خشونت جسمی و روانی

کمیته حقوق کودک، تنبیه فیزیکی یا بدنی را به عنوان هر تنبیهی که در آن از نیروی فیزیکی استفاده می شود و قصد دارد درجاتی از درد یا ناراحتی را هر چند سبک ایجاد کند، تعریف می کند (۱۳۹۹، میرزائی، سارا). از سوی دیگر، تنبیه روانی شامل انواع تنبیه های ظالمانه و تحقیرآمیز است که ماهیت فیزیکی ندارند، از جمله تنبیهی که باعث تحقیر، کوچک شمردن، تهدید، ترساندن یا تمسخر کودک میشود (Ellery et al, ۲۰۱۰).

به طور کلی، پسران تنبیه بدنی مکرر و شدیدتری را نسبت به دختران تجربه می کنند. اعمال تنبیه ها به طرق مختلف پیام هایی در مورد آنچه از دانش آموزان و بزرگسالان انتظار می رود به ما می رساند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می دهد تنبیه بدنی در مدارس گاهی با شدت یا فراوانی برای دانش آموزان گروه هایی که در کل جامعه در معرض انگ و تبعیض هستند اجرا می شود. به عنوان مثال، مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش آموزان اشاره می کند که در هند، گزارش عمومی سال ۱۹۹۸ در مورد آموزش پایه (PROBE) نشان می دهد که معلمان طبقه بالاتر تمایل دارند با برچسب زدن به آن ها به عنوان خنگ و ناتوان در تحصیل کردن، دانش آموزانی که از طبقات پایین تر هستند را تحقیر کنند (Pinheiro, ۲۰۰۶).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان به یک گرایش آشکار به دور شدن از تنبیه بدنی در مدارس در تمام مناطق، به ویژه در اروپا اشاره کرد. این گسترش در روند پیگیری مطالعات سازمان ملل متحد، با تعداد فزاینده ای از کشورها که استفاده از خشونت، از جمله تنبیه بدنی در مدرسه را غیرقانونی می کنند، ادامه یافته است. اگرچه این یک روند خوشایند است، اما این خطر را ایجاد می کند که معلمان که در مورد استراتژی های نظم و انضباط مثبت آموزش نمی بینند، ممکن است به تنبیه روانی در کلاس درس متوسل شوند. این حوزه ای است که قبل از نتیجه گیری باید تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود.

با وجود تحولات قانونی، در بسیاری از کشورها هنوز قانونی رسمی وجود ندارد. در برخی دیگر، اثربخشی ممنوعیت قانونی به دلیل اجرای ضعیف یا سطوح پایین آگاهی از این قانون در میان کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان مختل می شود.

از نظر تأثیر، تنبیه بدنی می تواند به طور جدی توانایی یادگیری کودک را به خطر بیندازد. کمیسیون ملی حمایت از حقوق کودک هند (NCPCR) گزارش می دهد که مطالعه تجربیات عاطفی در کلاس های درس، بر اساس نظرسنجی از ۱۱۰۰ کودک، نشان می دهد که افرادی که مکرراً مورد سرزنش قرار می گیرند، توانایی های یادگیری خود را به خطر می اندازند. محیط های ضعیف کلاس درس، استفاده از زبان بد و ضرب و شتم، همگی بر توانایی یادگیری کودک تأثیر منفی گذاشتند. این نظرسنجی همچنین نشان داد که بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل آزار جسمی و روانی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرند از رفتن به مدرسه می ترسند.

تنبیه بدنی همچنین می تواند عواقب جدی برای سلامت روحی و جسمی دانش آموز داشته باشد. با رشد آهسته مهارت های اجتماعی، افسردگی، اضطراب، رفتار پرخاشگرانه و عدم همدلی یا مراقبت از دیگران مرتبط است. همچنین به تداوم خشونت در مدارس کمک می کند. کتاب راهنمای یونسکو در مورد توقف خشونت در مدارس نشان می دهد که تنبیه بدنی، بی توجهی به آموزش دانش‌آموزان که چگونه انتقادی فکر کنند، قضاوت های اخلاقی درستی داشته باشند، کنترل درونی را در خود پرورش دهند و به شرایط و ناامیدی های زندگی به شیوه ای غیر خشونت آمیز پاسخ دهند. چنین تنبیهی به دانش‌آموزان نشان می دهد که استفاده از زور، چه کلامی، چه فیزیکی و چه احساسی، قابل قبول است، به ویژه زمانی که برای افراد جوان تر و ضعیف تر باشد. این درس منجر به افزایش حوادث زورگویی و فرهنگ کلی خشونت در مدارس می شود

درگیری، حمله فیزیکی و خشونت گروهی

دعوا، حمله فیزیکی و خشونت گروهی می تواند در مدارس ظاهر شود، یا ممکن است نشان دهنده نفوذ خشونت خارجی به محیط مدرسه باشد. در عمل، مقوله خشونت بیرونی یک مقوله وسیع است و تمایز بین خشونت مدرسه و خشونت بیرونی اغلب به سختی قابل تشخیص است.

دعوا به طور کلی شامل دو یا چند نفر می شود که در آن تشخیص تمایز بین مجرمان و قربانیان آسان نیست. تجزیه و تحلیل داده های نظرسنجی های اخیر که به عنوان بخشی از GSHS انجام شده است نشان می دهد که جنگ در کشورهای در حال توسعه بیشتر است و احتمال شرکت دختران کشورهای در حال توسعه بیشتر از دختران در کشورهای توسعه یافته و در حال گذار در آن است. مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان نشان می دهد که حمله فیزیکی، «می تواند به عنوان یک پدیده جداگانه رخ دهد، مانند مورد حمله یک فرد به فرد دیگر که ناشی از احساسات ملتهب خشم یا حسادت است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همچنین ممکن است ناشی از احساسات عمومی خشم، ناامیدی یا تحقیر باشد که توسط هر کاری که قربانی انجام داده است تحریک نشده باشد، مانند مورد تجاوز جنسی خشونت‌آمیز و تیراندازی‌های تصادفی.» مخصوصاً پسرها تمایل دارند برای اجرای کلیشه‌های مردانه با یکدیگر درگیر شوند و به دعوا بپردازند.

تأثیر درگیری و تهاجمات فیزیکی و ترس و ناامنی ناشی از آن، هم در میان قربانیان و هم در بین کسانی که شاهد چنین حملاتی هستند، با در دسترس بودن و استفاده از سلاح‌هایی که از خارج به محیط مدرسه وارد می‌شوند، تشدید می‌شود. سلاح‌ها همچنین اغلب با خشونت باندی همراه است که اغلب از جوامع اطراف به مدارس نفوذ می‌کند. مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان نشان می‌دهد که باندها با ساختارها و تشریفات رسمی تر از سایر گروه‌های همسال متمایز می‌شوند. به نظر می‌رسد خشونت گروهی در مدارس در مکان‌هایی که خشونت در کل جامعه رایج است و در دسترس بودن اسلحه، باندها و مواد مخدر بخشی از فرهنگ محلی است، بیشترین شیوع را دارد. این موضوع در طول رایزنی‌های منطقه‌ای کارائیب و آمریکای لاتین برای مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان مورد توجه ویژه قرار گرفت.

کارهای اجباری

پسری در لیبریا گفت: اگر کسی پول داشته باشد به معلم رشوه می‌دهد. اگر نداشته باشد باید در مزارع معلم کار کند یا مردود شود (Antonowicz, ۲۰۱۰).

در کشورهایی که دستمزد معلمان پایین است، جوامع و مدارس یا کارکنان مدرسه گاهی توافقاتی در مورد استفاده از نیروی کار دانش‌آموزان به عنوان نوعی پاداش برای معلمان دارند. شواهد از پنج کشور غرب آفریقا نشان می‌دهد که ممکن است از دختران خواسته شود که آب بیاورند یا کارهای خانه مانند تمیز کردن لباس‌ها را انجام دهند، در حالی که ممکن است از پسران خواسته شود در مزارع معلمان در فصل برداشت محصول کار کنند یا در حمل و نقل مصالح ساختمانی کمک کنند. این کارها زمانی را که دانش‌آموزان می‌توانند به یادگیری اختصاص دهند، چه در ساعات مدرسه و چه در اوقات فراغت، کاهش می‌دهد. آنها می‌توانند فراتر از توان و ظرفیت دانش‌آموزان باشند و مهمتر از همه آنها می‌توانند دانش‌آموزان را در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر خشونت جنسی و سایر موارد در مسیر مدرسه یا در خانه‌های کارکنان مدرسه قرار دهند.

خشونت علیه آسیب‌پذیرترین دانش‌آموزان

دختران به ویژه در معرض خطر خشونت و غیبت از کلاس‌های درس در سراسر جهان هستند. دلایل متعددی برای ثبت نام پایین و تعداد بالای ترک تحصیل دختران وجود دارد، از جمله: عوامل اقتصادی؛ عوامل فرهنگی مانند ترجیح فرهنگی برای پسران؛ یا انتظاری که دختران باید در خانه بمانند یا کار کنند تا از خانواده حمایت کنند. با این حال، خشونت در مدرسه یا اطراف آن، یا تهدید به خشونت، مانع بزرگی برای تحصیل دختران است.

برخی از جدی‌ترین موانع مربوط به خشونت برای تحصیل دختران در دیگر کشورها که ناشی از جدا نبودن محیط آموزشی دختران و پسران است عبارتند از: سوء استفاده جنسی یا تهدید به چنین سوء استفاده‌ای از سوی معلمان، سایر کارکنان مدرسه یا دانش‌آموزان پسر. ترک تحصیل به دلیل ازدواج یا باردار شدن (و در برخی کشورها به دلیل نگرش‌ها یا حتی مقرراتی که مانع از بازگشت دختران به مدرسه پس از زایمان می‌شود). مسافتی که دختران باید تا مدرسه طی کنند و خطرات



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ناشی از این سفر روزانه؛ محیط های آموزشی خصمانه، از جمله مواد آموزشی مغرضانه جنسیتی، علاقه مندی به پسران و تخصیص وظایف سطح پایین به دختران؛ محیط فیزیکی ناامن مدارس، از جمله عدم ارائه سرویس های بهداشتی جداگانه و کافی؛ و تصمیم والدین برای دور نگه داشتن دخترانشان از مدرسه به دلیل خطرات مرتبط با محیط مدرسه (Mitchel & Mothobi-Tapela, ۲۰۰۴).

آسیب پذیری دختران می تواند - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - با الگوهای نابرابری اقتصادی و در برخی موارد، ناآرامی های سیاسی قابل توجه یا درگیری های خشونت آمیز تشدید شود. فقر یکی از مهم ترین این عوامل است. در مطالعه یونیسف که درباره خشونت بر اساس جنسیت در مدارس سوازیلند و زیمبابوئه صورت گرفت اشاره شد که مردم نمی خواهند علیه همسایه ها یا خویشاوندان صحبت کنند، والدین نمی خواهند در مدرسه در صورتی که دخترشان مورد آزار و اذیت قرار می گیرد شلوغ کاری راه بیاندازند و معلمان خودشان نمی خواهند صحبت کنند، حتی اگر می دانند که آزار و اذیت در مدرسه یا جامعه در حال رخ دادن است.

در مورد معلمانی که دست به آزار جنسی می زنند، جایگاه اجتماعی آنها اغلب درجه ای از مصونیت را برای آنها در برابر عواقب اعمالشان ایجاد می کند یا ممکن است از روابط نابرابر قدرت برای محافظت از خود سوء استفاده کنند.

علاوه بر دختران، گروه های دیگری از دانش آموزان نیز هستند که به طور ویژه در برابر تبعیض و سایر موارد نقض حقوق بشر در محیط مدرسه و اطراف آن آسیب پذیر است. اینها شامل دانش آموزانی هستند که فطری دارای معلولیت هستند، دانش آموزان اقلیت های قومی، زبانی، فرهنگی یا مذهبی، دانش آموزان پناهجو و پناهنده، دانش آموزان مبتلا به ایدز، دانش آموزان از طبقات پایین جامعه.

اغلب تبعیض و طرد شدن این دانش آموزان چند لایه است و بسیاری از جنبه های زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. در مورد آموزش، دانش آموزان متعلق به گروه های آسیب پذیر نه تنها برای دسترسی به مدرسه با موانعی روبرو هستند، بلکه برای ادامه تحصیل نیز مبارزه می کنند. نتیجه غم انگیز این است که دانش آموزانی که اغلب بیشترین نیاز را به حمایت، پذیرش و رفتار محترمانه دارند، دانش آموزانی هستند که به آسانی و اغلب مورد خشونت در محیط مدرسه توسط همسالان خود و توسط کارکنان مدرسه قرار می گیرند. آنها همچنین ممکن است برای جدی گرفتن وضعیت خود تلاش کنند اگر بخواهند خشونت را به مقامات مدرسه یا دیگران گزارش دهند و در برخی موارد ممکن است به سادگی تصمیم بگیرند که خشونت را گزارش نکنند، حتی خشونت جدی، از جمله سوء استفاده جنسی، از ترس جلب توجه به خانواده یا جامعه در حال حاضر انگ و به حاشیه رانده شده است.

در مورد دانش آموزانی که به اقلیت های قومی، زبانی یا فرهنگی تعلق دارند، معلمان فرهنگ اکثریت ممکن است نگرش منفی نسبت به آنها از خود نشان دهند، انتظارات بسیار کمی از آنها داشته باشند و استعداد های فردی آنها را شناسایی و تشویق نکنند. این بعد از آن چیزی است که بوش و سالتارلی آن را چهره منفی آموزش نامیده اند (Bush & Salterati, ۲۰۰۰)، که خود را در «توزیع نابرابر آموزش برای ایجاد یا حفظ امتیازات، استفاده از آموزش به عنوان سلاح سرکوب فرهنگی، و تولید یا تولید» نشان می دهد. نوشتن کتب درسی برای ترویج عدم تحمل این رفتارها. این پدیده منحصر به حوزه تدریس نیست. همچنین می تواند خود را در برنامه های درسی پنهان نشان دهد، یعنی ارزش هایی که در زمینه های غیر آکادمیک مانند هنگام بازی و تفریح، در صف ناهار و در راه رفتن یا برگشتن به مدرسه منتقل می شوند. به عنوان مثال، مطالعه فوق الذکر که از طرف



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یونیسف در فرانسه انجام شد، نشان داد که از یک جمعیت نمونه ۱۲۳۲۶ دانش آموز بین سنین ۹ تا ۱۱ سال در ۱۵۷ مدرسه، ۴٫۶ درصد معتقد بودند که آنها در معرض نژادپرستی قرار گرفته اند. از یک بزرگسال در مدرسه خود، اغلب از کارگران کمکی در غذاخوری مدرسه.

دانش‌آموزان پناهنده ممکن است تحت رفتارهای مشابهی قرار گیرند؛ برای مثال، گزارش‌هایی وجود دارد که دانش‌آموزان آواره‌شده از آنگولفون سیرالئون به منطقه فرانسوی زبان گینه کوناگری در مدارس جدید خود به دلیل عدم درک زبان فرانسه تنبیه بدنی شدند. یک دختر پناهنده و دانش آموز کلاس چهارم در ابیجان، ساحل عاج توضیح می‌دهد که دانش‌آموزان اینجا با ما به عنوان مهاجمان رفتار می‌کنند و آنها اغلب در راهرو سر ما فریاد می‌زنند، «مهاجمین، به خانه برگردید!» آنهايي از ما که نمی‌توانیم این توهین‌ها را تحمل کنیم، به مدرسه نمی‌آییم (Antonowicz, ۲۰۱۰).

در مورد دانش‌آموزان دارای معلولیت، داده‌های جهانی دقیقی در مورد محرومیت از تحصیل وجود ندارد. با این حال، یک اجماع کلی وجود دارد که حداقل یک سوم از ۷۲ میلیون کودک در جهان که در مدرسه نیستند، به هر شکلی معلولیت دارند، در حالی که برآوردهای بانک جهانی و دیگران نشان می‌دهد که حداکثر ۵ درصد از دانش‌آموزان دارای معلولیت به هدف تکمیل آموزش برای همه در مدرسه ابتدایی می‌رسند. مانند سایر دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، بسیاری از دانش‌آموزان دارای معلولیت ممکن است هرگز برای مدرسه ثبت نام نکنند، در حالی که برخی دیگر ممکن است ثبت نام کنند، اما موفق به حضور در مدرسه نشوند یا متعاقباً ترک تحصیل کنند. انگ اجتماعی، موانع دسترسی فیزیکی، کمبود اطلاعات و مواد در اشکال مناسب، و فقدان آموزش برای کارکنان آموزشی، همگی به این پدیده کمک می‌کنند، با این حال خشونت علیه دانش‌آموزان دارای معلولیت نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. همانطور که توسط نماینده ویژه در امور خشونت علیه دانش‌آموزان اشاره شده است، زندگی دانش‌آموزان دارای معلولیت مملو از مشکلات است. نگاه بد جامعه، تبعیض، اعمال فرهنگی، ادراک نادرست و نامرئی بودن؛ ظرفیت و پتانسیل مثبت آنها اغلب نادیده گرفته می‌شود و وجود آنها با خشونت، غفلت، آسیب و استثمار مشخص می‌شود. این خطرات در مدارس نیز وجود دارد.

مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان نشان می‌دهد که «دانش‌آموزان دارای معلولیت به دلایل مختلفی در معرض خطر خشونت قرار دارند، از تعصبات فرهنگی عمیقاً ریشه دار گرفته تا خواسته‌های عاطفی، فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی بالاتری که معلولیت کودک می‌تواند بر خانواده او تحمیل کند. نظرسنجی جهانی که درباره آیدز و معلولیت برگزار شد خاطرنشان می‌کند که افراد دارای معلولیت به طور قابل توجهی در معرض خطر خشونت فیزیکی، سوء استفاده جنسی و تجاوز جنسی قرار دارند. با این حال، در عین حال، آنها دسترسی اندکی به حمایت و جبران خسارت از طریق پلیس و سیستم های قانونی دارند و از دسترسی کمتری به مراقبت های پزشکی و مشاوره نسبت به همسالان غیرمعلول خود برخوردار هستند. اختلالات اغلب باعث می‌شود که دانش‌آموزان دارای معلولیت قربانیان آسانی به نظر برسند، نه تنها به این دلیل که ممکن است در دفاع از خود یا در گزارش سوء استفاده مشکل داشته باشند، بلکه به این دلیل که داستان‌های آنها اغلب نادیده گرفته می‌شود. همچنین ممکن است خشونت علیه یک کودک دارای معلولیت به نوعی کمتر جدی تلقی شود و شهادت کودک ممکن است نسبت به یک کودک بدون معلولیت کمتر قابل اعتماد تلقی شود. دانش‌آموزان دارای معلولیت نیز ممکن است برای دسترسی به گروه‌های اجتماعی، خشونت و آزار همسالان خود را بیشتر تحمل کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تربیت اخلاقی و اجتماعی در پیشگیری از خشونت

یکی از رویکردهای کلیدی در پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای، تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان است. این رویکرد تأکید بر اهمیت تربیت انسان‌های اخلاقی و متعهد به ارتقاء احترام متقابل دارد. در اینجا به برخی از عناصر مهم تربیت اخلاقی و اجتماعی در پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای پرداخته می‌شود:

۱. تعلیم احترام و تفهیم متقابل: از دانش‌آموزان باید آموخته شود که احترام و تفهیم متقابل چقدر ارزشمند هستند. این تربیت باید از کودکی شروع شود و به مرور زمان تقویت گردد.
 ۲. تربیت همدلی و همکاری: ارتقاء مفاهیم همدلی و همکاری در دانش‌آموزان می‌تواند به پیشگیری از خشونت کمک کند. آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر و حل مسائل صلح‌آمیز مهم است.
 ۳. توسعه مهارت‌های انفعالی: دانش‌آموزان باید به یادگیری مهارت‌های مدیریت انفعالی آموزش داده شوند تا بتوانند با استرس و فشارهای روزمره به صورت سالم و بدون خشونت مقابله کنند.
 ۴. تربیت اخلاقی: آموزش اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی مهم است. این آموزش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در مواقع تصمیم‌گیری مسئولانه و با ارزش‌های مثبت عمل کنند.
 ۵. تربیت به عدالت: دانش‌آموزان باید به اهمیت عدالت و برابری اعتقاد داشته باشند. این مفهوم می‌تواند به پیشگیری از تبعیض و خشونت ناشی از تبعیض نژادی یا اجتماعی کمک کند.
 ۶. همکاری با خانواده و مدرسه: تربیت اخلاقی و اجتماعی بهترین نتیجه را زمانی می‌دهد که خانواده و مدرسه با یکدیگر همکاری کنند. ارتقاء ارتباط و هماهنگی بین این دو موسسه اساسی است (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰).
- به طور خلاصه، تربیت اخلاقی و اجتماعی در دانش‌آموزان می‌تواند به پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای کمک کند. این آموزش‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به شخصیت دانش‌آموزان و ارتقاء احترام متقابل در محیط مدرسه ایفا می‌کنند و به ساختارهای سالم تر در جوامع و مدارس کمک می‌نمایند.

بحث و نتیجه گیری

خشونت مدرسه‌ای یک مسئله پیچیده است که تأثیرات عمیقی بر جامعه و آموزش دارد. این پدیده با تنوعی از اشکال و ریشه‌ها در مدارس سراسر جهان دیده می‌شود. از طرفی، مسائل جامعه‌شناختی به عنوان عوامل مهمی در ظهور و افزایش خشونت مدرسه‌ای تأثیرگذار هستند. از جمله این مسائل می‌توان به تعامل‌های اجتماعی، ارتقاء احترام متقابل، و مسائل روانی اشاره کرد. تعامل‌های اجتماعی در مدرسه می‌توانند به دو صورت مثبت و منفی تأثیر داشته باشند. ارتباط‌های مثبت بین دانش‌آموزان و تربیت اخلاقی اجتماعی می‌توانند به پیشگیری از خشونت کمک کنند. از سوی دیگر، تعامل‌های منفی میان دانش‌آموزان، از جمله بلوغ جنسی و تبعیض نژادی، می‌توانند به عنوان عوامل تشدید کننده در ایجاد خشونت مدرسه‌ای عمل کنند. ارتقاء احترام متقابل نیز نقش مهمی در کاهش خشونت مدرسه‌ای ایفا می‌کند. محیط‌های مدرسه که احترام متقابل و تعامل مثبت را ترویج می‌کنند، می‌توانند به کاهش تنش‌ها و خشونت مدرسه‌ای کمک کنند. ارتقاء آموزش تربیت اخلاقی و اجتماعی نیز می‌تواند به تقویت احترام متقابل و کاهش خشونت مدرسه‌ای منجر شود. به طور کلی، خشونت مدرسه‌ای یک مسئله



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جامعه‌شناختی است که نیاز به توجه جدی دارد. بررسی عوامل جامعه‌شناختی و روش‌های پیشگیری از آن می‌تواند به ما کمک کند تا به راهکارهای مؤثری در کاهش این پدیده دست یابیم.

خشونت مدرسه‌ای یک مسئله جامعه‌شناختی جدی است که تأثیرات عمیقی بر دانش‌آموزان و جوامع دارد. مسائل جامعه‌شناختی، از جمله تعامل‌های اجتماعی، ارتقاء احترام متقابل، و مسائل روانی، نقش مهمی در پدیده خشونت مدرسه‌ای ایفا می‌کنند. برای کاهش این پدیده، نیاز به توجه به مسائل جامعه‌شناختی و ارتقاء ارزش‌های تربیتی و اجتماعی در محیط مدرسه داریم. این اقدامات می‌توانند به ایجاد محیط آموزشی ایمن و سازنده کمک کنند و از تأثیرات منفی خشونت مدرسه‌ای جلوگیری نمایند.

آثار مواجهه با خشونت در کودکی، چه از سمت همسالان باشد چه از سمت کارکنان آموزشی، تا بزرگسالی بر روی ذهن و روان آن فرد باقی می‌ماند و زخمی است که التیام آن به آسانی صورت نمی‌گیرد.

بهبتر است قبل از وارد شدن صدمه‌ای به دانش‌آموزان به فکر پیشگیری از این مسئله باشیم چرا که پیشگیری همیشه بهتر از درمان است. دولت‌ها، معلمان و والدین باید بکوشند تا مدرسه‌ای عاری از هرگونه خشونت برای فرزندان خود درست کنند و همچنین به فرزندان خود آموزش دهند تا با دیگر قومیت‌ها، ملیت‌ها و دانش‌آموزانی که معلولیت و مشکلی دارند یکسان برخورد کنند تا همگی بتوانند از حق آموزش برخوردار شوند.

در ادامه پیشنهاداتی است که دولت‌ها و سازمان‌های آموزشی برای حذف خشونت از مدارس به کار برده‌اند (قلی پورچسلی، ۱۳۹۷):

۱- برنامه‌های پیشگیری از خشونت را ترویج کنید که به کل محیط مدرسه می‌پردازد و مشارکت جامعه را تشویق می‌کند. این ممکن است مستلزم تقویت پیوندهای بین مدارس و جوامع و افزایش آگاهی از ارزش مدارس به عنوان منابع جامعه باشد. و همچنین رسیدگی به خشونت در مدارس از طریق تلاش‌های تکمیلی با جوامع و خانواده‌ها برای کاهش خشونت علیه دانش‌آموزان در خانه و جاهای دیگر. این برنامه‌ها باید به یک سیستم ملی حمایت از دانش‌آموزان مرتبط باشد و مقامات آموزشی، دولت محلی و ملی را درگیر کند. این همچنین به این معنی است که فضاهای فیزیکی در داخل و اطراف مدرسه نیاز به نظارت کافی دارند و هیچ خطری برای دانش‌آموزان ندارند.

۲- تضمین کردن حمایت قانونی از دانش‌آموزان در برابر خشونت را با معرفی قوانین مؤثری که به صراحت تمام انواع خشونت علیه دانش‌آموزان را در همه محیط‌ها از جمله در مدارس ممنوع می‌کند، تعیین مجازات‌های روشن برای مرتکب خشونت علیه دانش‌آموزان، و ارائه سیستم‌های جبران خسارت و توانبخشی برای قربانیان خشونت. برای پیشبرد این فرآیند، تخصیص منابع بودجه کافی برای اطمینان از انتشار مؤثر، اجرا و نظارت بر پیشرفت حیاتی است.

۳- اطمینان حاصل کنید که دانش‌آموزان در صورتی که در مدرسه، خانه یا هر محیط دیگری مورد خشونت قرار بگیرند، به مشاوره، شکایات و مکانیسم‌های گزارش محرمانه دسترسی دارند. به همین ترتیب، اطمینان حاصل کنید که کارکنان مدرسه از نحوه تشخیص موارد خشونت آگاه هستند و می‌دانند که به چه کسی مراجعه کنند و موارد خشونت را ارجاع دهند. باید یک پروتکل تماس واضح برای پلیس و سایر مقامات در مورد حوادث جدی خشونت وجود داشته باشد.

۴- با دانش‌آموزان همراه شوید، به آنها گوش دهید و با آنها کار کنید. سهم بالقوه دانش‌آموزان در ایجاد مدارس عاری از خشونت را بشناسید و ساختارهای مناسبی مانند شوراهای دانش‌آموزی را برای مشارکت رسمی آنها در مدیریت مدرسه فراهم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کنید. اطمینان حاصل شود که دانش‌آموزان به آموزش حقوق بشر، آموزش شهروندی و آموزش مهارت در میانجیگری و حل مسالمت آمیز درگیری‌ها دسترسی دارند.

۵- با استخدام معلمان واجد شرایط، از جمله معلمان خانوم، محیط مدرسه امن و مناسب دانش‌آموزان بسازید. تضمین حقوق و دستمزد منصفانه و شرایط کاری مناسب، سرمایه‌گذاری در آموزش معلمان در مورد حقوق دانش‌آموزان و توسعه مقررات مدرسه، سازوکارهای پاسخگویی و آداب رفتاری که به همه اشکال آزار و اذیت و خشونت علیه دانش‌آموزان مربوط می‌شود.

۶- برای ترویج تغییر در نگرش‌ها و هنجارهایی که خشونت علیه دانش‌آموزان در مدارس، خانه و جامعه را تایید یا تداوم می‌بخشد، با حامیان مرتبط همکاری کنید. الگوهای جایگزین انضباط را به والدین و معلمان ارائه دهید و همه کارکنان مدرسه را با رویکردهای آموزش بدون خشونت آموزش دهید. اطمینان حاصل کنید که برنامه‌های درسی و مواد آموزشی ارزش‌های مثبت و مدارا را ترویج می‌کنند. سازمان‌ها و اتحادیه‌های معلمان را تشویق کنید تا از اعضای خود در ایجاد محیط‌های آموزشی عاری از خشونت حمایت کنند.

۷- اطمینان حاصل کنید که دانش‌آموزان از گروه‌های آسیب‌پذیر ثبت‌نام می‌شوند و در مدرسه نگهداری می‌شوند و توجه ویژه‌ای به الزامات یادگیری آن‌ها برای ارائه مهارت‌های مرتبط و به حداقل رساندن افت تحصیلی برای آن‌ها داشته باشید. ارزش‌های فراگیر و مدارا را نسبت به دانش‌آموزان با هر زمینه و توانایی پرورش دهید. به خطرات مختلف آسیب‌پذیری دانش‌آموزان، مانند عوامل اقتصادی و هزینه‌های مدرسه رسیدگی کنید.

۸- آگاهی والدین را در مورد خطر آزار اینترنتی در اشکال مختلف آن افزایش دهید و ابتکاراتی را در مدارس برای تشویق رفتارهای آگاهانه و مسئولانه آنلاین از سوی دانش‌آموزان معرفی کنید. آموزش مهارت‌های دیجیتالی برای دانش‌آموزان برای مقابله با این پدیده ارائه دهید. ارائه دهندگان اینترنت و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی را تشویق کنید تا ابزارهای فیلتر و مسدودسازی کافی را ارائه دهند.

۹- تقویت تحقیقات و ادغام سیستم‌های داده در مورد همه اشکال خشونت علیه دانش‌آموزان، حداقل بر اساس سن و جنس. ترویج تجزیه و تحلیل و انتشار داده‌ها به منظور اطلاع‌رسانی سیاست‌های ملی و محلی برای جلوگیری و حذف خشونت در مدارس (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰).

۱۰- تقویت همکاری بین‌المللی، هماهنگی و به اشتراک گذاری دانش از شیوه‌های خوب، برنامه‌ها و تحقیقات مبتنی بر شواهد برای پایان دادن به خشونت علیه دانش‌آموزان. تقویت بودجه اختصاص یافته بین‌المللی برای پایان دادن به همه اشکال خشونت علیه دانش‌آموزان. این توصیه‌ها به موضوعات کلیدی مورد بحث در این گزارش می‌پردازند و به هیچ وجه جامع نیستند. با این حال، در مجموع، آنها پایه محکمی را برای ایجاد محیط‌های آموزشی برای دانش‌آموزان عاری از خشونت، ترس و تبعیض فراهم می‌کنند.



منابع

۱. قلی پورچسلی، محمدرضا، ۱۳۹۷، خشونت در مدارس، پنجمین همایش علمی پژوهشی «از نگاه معلم»، میناب.
۲. محمدی چمناری، الهام و عربی جونقانی، احمد، ۱۴۰۰، مروری بر مولفه های خشونت و راهکارهای حذف آن در مدارس متوسطه، پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات جهانی در علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، تهران.
۳. میرزائی، سارا، ۱۳۹۹، بررسی علل، پیامدها و راهکارهای پیش گیری از خشونت در مدارس، اولین همایش ملی آموزش های مجازی در حوزه آموزش و پرورش، رفسنجان.
۴. Antonowicz, Laetitia, ۲۰۱۰, Too Often in Silence. A report on school-based violence in West and Central Africa, UNICEF, Plan West Africa, Save the Children Sweden West Africa, Action Aid.
۵. Bush, Kenneth D. and Diana Saltarelli (eds), ۲۰۰۰, The Two Faces of Education in Ethnic Conflict.
۶. Eliminating Violence against Children. Handbook for Parliamentarians, no. ۱۳, Inter-Parliamentary Union and UNICEF, ۲۰۰۷.
۷. Ellery, F., N. Kassam and C. Bazan, ۲۰۱۰, Prevention Pays: the economic benefits of ending violence in schools, Plan.
۸. Livingstone, Sonia, Leslie Haddon, Anke Gorzig and Kjartan Olafsson, ۲۰۱۱, Risks and safety on
۹. the Internet. The perspective of European Children. Key findings, European Union and the London School of Economics and Political Science, n.d. circa.
۱۰. Mitchell, Claudia and Iwani Mthobi-Tapela, ۲۰۰۴, Taking Action: Gender-Based Violence in and around Schools in Swaziland and Zimbabwe, UNICEF ESARO.
۱۱. Pinheiro, Paulo Sérgio, ۲۰۰۶, UN Study on Violence Against Children, United Nations